



مهر ۱۴۰۳  
شماره ۶۰۵



### تسلیمت سیدمحمد خاتمی در پی حادثه طیس

سیدمحمد خاتمی، رئیس دولت اصلاحات در پیامی وقوع حادثه طیس را تسلیمت گفت. در این پیام آمده است: «آنچه در طیس عزیز و پرافتخار و در معدن آن پیش آمد سخت دردآفرین و تاب‌سوز بود. عده‌ی زیادی از هموطنان عزیز و خدمتگزاران سخت‌کوش مردم در این سانحه جان خود را از دست دادند و عده‌ی فراوان دیگر دچار آسیب‌های سخت جسمی و روحی شدند و انبوهی از خانواده‌های محترم در سوگ عزیزان یانگرانی آسیب دیدن جسمی و روحی آنان تلخی و درد را در عمق جان خود احساس کردند.» وی افزود: «من این مصیبت بزرگ را به ملت شریف ایران به‌خصوص مردم می‌کنم و از خداوند منان برای درگذشتگان آمرزش و رحمت و برای آسیب‌دیدگان شفا و بهبودی و برای بازماندگان معزز صبر و اجر طلب می‌کنم.» خاتمی تاکید کرد: «طبیعی است که نه‌تنها تقصیر که حتی سهل‌انگاری در چنین مواردی قابل توجه و تحمل نیست و باید به‌طور کلی اشکالات مدیریتی و فنی که در این موارد هست به جد بررسی و برطرف شود. امید است که دولت محترم جدید از این پیش‌آمد تلخ درس بگیرد و در جهت امن‌تر و امیدبخش‌تر کردن جامعه و فضای زندگی مردم تلاش کند.»



### غربی‌ها محتاج ایران هستند

علی مطهری، فعال سیاسی در صفحه توییتر خود با اشاره به موضوع غزه نوشت: «غربی‌ها در موضوع غزه محتاج ایران هستند. از طرفی هم خواهان حل مسئله هسته‌ای و روابط بهتر با تهران اند. رئیس جمهور در سفر به نیویورک می‌تواند طوری عمل کند که در هر دو موضوع دارای دستاورد باشد، هم به نفع فلسطین و هم به نفع ایران.»



### وفاق ملی و عدالت اجتماعی

حمید شهریاری، دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، در گفت‌وگو با جماران گفت: «من فکر می‌کنم که مهمترین مؤلفه وفاق ملی عدالت اجتماعی است. مادامی که عدالت در کار نباشد و خدای ناکرده به شهروندان ظلمی شود، امکان وفاق ملی وجود ندارد. بنابراین اولین شرط این است که به لوازم شهروندی اظهار ملتزم شویم.» وی افزود: «من معتقدم یک فرصت بسیار استثنایی با این ذخیره انقلاب که آقای پزشکشان هست برای ما به وجود آمده و الحمدلله سرمایه اجتماعی که خیلی از دست رفته بود، الان آهسته آهسته در همین مدت کم در حال بازگشت است. نخبگان جامعه همه امیدوار شده‌اند که ان‌شاءالله این تغییرات موجب تحولی در زندگی همه شهروندان شود.» وی افزود: «دومین مسئله این است که ما بتوانیم «امنیت ملی» را تأمین کنیم و خدای ناکرده اتفاقی در کشور نیفتد که این دستاورد انقلاب اسلامی که استقلال و امنیت کشور بوده، به خطر بیفتد. طبیعتاً علمای اسلام در این زمینه نقش بنیادین و اساسی دارند؛ چراکه با سخنان خودشان می‌توانند ایجاد آرامش و با خدای ناکرده ایجاد تنش کنند.» شهریاری اظهار داشت: «اما امروز در کشور شاهد هستیم که بعضی از علما وظیفه سنگین خودشان را خوب متوجه نیستند و آرزوی ما همین است که ان‌شاءالله خداوند همه ما را هدایت کند تا بتوانیم دستاورد بزرگ را با تمام وجودمان حفظ کنیم.»

### نگاه روزنامه نگار

## مسئله آن ۱۲ نفر

حاشیه‌ای پررنگ‌تر از متن سفر تاریخی نیویورک



رضا رئیسی  
روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی

این روزها نه‌تنها سیاست‌ورزی جهانی در آن سوی اقیانوس اطلس تکیه در سخن و سرای مجمع عمومی به تپش افتاده و دیپلماسی در قلب نیویورک و کریدورهای سازمان ملل شریان و جریان یافته است.

برای ما در ایران و اهالی هارتلند انزوی و مهت تمدن و تاریخ سیاست جهان در خاورمیانه همیشه پراتیباب، روزهای پرتالطم و ابربحرانی سپری می‌شود که حساسیت این دور از برگزاری جلسه سران مجمع عمومی سازمان ملل متحد را دوچندان کرده است و به‌خصوص نگاه‌ها بیش و پیش از همیشه به هیئت و کاروان ایرانی معطوف است که این‌بار در رأس و هرم خود یک چهره تازه را می‌بیند که قرار است صدای متفاوت از دولت جدیدی باشد که در اوج شرایط بحرانی منطقه و در حاشیه تحولات بین‌المللی حساس و تعیین‌کننده‌ای همچون انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده، عنان امور را در دست گرفته و می‌خواهد طرحی نو در اندازد و از این سفر آورده‌ای محسوس و ملموس برای ایران و ایرانی رقم بزند. به‌نوعی می‌توان گفت همه چیز دست به دست هم داده تا این سفر را واجد عنوان «سفر تاریخی» کند.

اما با همه این اوصاف، آنچه که پیش از این سفر مهم و تعیین‌کننده، بروز و ظهور رسانه‌ای داشته و افکار عمومی را به خود معطوف ساخت: تعداد و کیفیت هیئت همراه رئیس جمهوری در سفر نیویورک بود. مخالفان و منتقدان دولت با روح شایعات پرادمنه و تبلیغات ایدئولوژیک جلوه دادند که قرار است چندده نفر به انضمام اعضای خانواده مسعود پزشکیان، رئیس دولت را در سفر به نیویورک همراهی کنند و به پیوست آن غوغایی راه انداختند که چه نباشد اید که بیت‌المال خرج خوشگذرانی و سفر اعضای خانواده رئیس جمهوری به نیویورک شده است.

این تبلیغات چندروزه چنان پرسامد بود که حتی برخی از حامیان دولت نیز در شبکه‌های اجتماعی بدان پرداختند و زبان به نقد و گلایه گشودند تا آنکه یوسف پزشکیان در پستی در شبکه اجتماعی ایکس حضور خود در سفر نیویورک را تکذیب کرد. بالاخره یکشنبه‌شب و با پرواز هواپیمای رئیس جمهوری به سمت نیویورک مشخص شد که ۱۲ نفری را در این سفر همراهی می‌کنند و نه‌تنها خبری از حضور پسران رئیس جمهوری نیست که هیئت همراه رئیس دولت از نظر تعداد، هم‌سان با سفر رئیس دولت اصلاحات به نیویورک رکورددار جمع‌وجورترین هیئت همراه در سفر نیویورک است.

به هر تقدیر، هم مخالفان دولت در حاشیه‌سازی پیرامون سفر و هم موافقان آن در پررنگ کردن و مانور روی تعداد هیئت همراه، به‌نوعی دچار کج‌سلیقگی و غلبه حاشیه بر متن شدند. نمونه آنکه بر فرض حضور هیئت ۱۰۰ نفره همراه رئیس جمهوری در بدترین حالت هزینه چند ده هزار دلاری برای آن متصور است. این در حالی است که بنا بر تخمین‌ها تا چندسال پیش ضررهای مستقیم و غیرمستقیم تحریم‌های ظالمانه بر کشور و اقتصاد ایران چیزی بالغ بر ۲۰۰۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود. طرفه آنکه مهمترین دستاورد و زمینه‌سازی متصوره پیرامون سفر رئیس جمهوری به نیویورک، ایجاد رخنه در ساختار و سازمان این تحریم‌های ظالمانه با بهره‌گیری از ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای تا مذاکرات و ریزش‌های تیم تازه دستگانه دیپلماسی و جلوه و نمودی است که رئیس دولت تازه در اولین سفر مهم بین‌المللی خود در این سطح، به منصفه اجرامی گذارد.

حال به جای آنکه از مخالفت با موافق به این مهم معطوف باشند و در راستای منافع ملی زمینه‌های ارتقا و تصاعد ظرفیت‌های این سفر در افکار عمومی داخلی و خارجی را مهیا کنند، بر سر تعداد مسافران و بودن این و آن منازعه و مجادله می‌کنند. این سفر به دلایل متعدد همانگونه که اشاره رفت، می‌تواند واجد عنوان «سفر تاریخی» باشد و به‌رغم هم فشارهای داخلی و خارجی و البته‌ایات منطقه‌ای، در راستای منافع ملی یک تکانه مهم ایجاد کند و رئیس دولت هم به نظر می‌رسد که سخت‌افزاری و نرم‌افزاری پتانسیل و ظرفیت تحقق بیهیمن آن را دارد تا این سفر همانند برخی ادوار گذشته به بیانیه خوانی صرف منتهی نشود و خروجی مقبول و مطلوبی داشته باشد که البته ما هم در داخل می‌توانیم با عبور و گذار از حاشیه‌ها و توجه به خیر جمعی و منافع ملی در این مسیر با هم‌ملی و اتفاق نظر و بسترسازی در قالب پیشنهادی راهگشا و کاربردی، تسهیل‌کننده باشیم.



### ۵ پزشکیان و برادری

حالا مسعود پزشکیان رئیس جمهوری جدید ایران است که در اوج تنش با پیام برادری به نیویورک رفته است. کاملاً مشخص نیست منظور او از برادری چندان است که در کنفرانس خبری تهران گفت دقیقاً چیست ولی خشم اصول‌گرایان رادیکال را برانگیخته خاصه اینکه در اوج تنش در منطقه ابراز شده است.

با این همه چنان که در آغاز آمد به خاطر پیوندهای عمیق آمریکا با اسرائیل که به تعبیر نویسنده کتاب «لاپی اسرائیل و سیاست خارجی آمریکا» یک رابطه عاشقانه از سوی آمریکایی‌هاست بعید است شاهد واکنش مناسبی از جانب واشنگتن باشیم و قضیه پیچیده‌تر از آن است که با جملات امیدوارکننده حل و فصل شود.

رئیس جمهور جدید ایران البته تنها به تعابیر تعارف آمیز بسنده نکرده بلکه تکذیب یا انکار ارسال موشک به روسیه علیه اوکراین را می‌توان به منزله پیام مشخص تری دانست.

نکته مهم این است که حساسیت آمریکا در قبال ایران در وهله نخست و مانند گذشته نه پرونده هسته‌ای است و نه حقوق بشر بلکه جنگ روسیه و اوکراین است و پزشکیان با علم به همین موضوع برای رفع حساسیت بر سر همکاری با روسیه کوشیده است.

موضع او در قبال اسرائیل هم نه چون قبل ایدئولوژیک و با تاکید بر نفی کامل که در تقبیح آدم‌کشی است تا در ادبیات مشترک جهانی بگنجد.

با این پیشینه توپ در زمین آمریکایی‌هاست که تا چه اندازه گفتنمان تازه را تقویت می‌کنند؟

دموکراسی ایرانی تیزی به همراهی آمریکایی‌ها ندارد اما این واقعیت که تا نسبی از تحول می‌وزد در آن سو به جای همراهی نهایت تلاش خود را به کار می‌بندند تا آرمان دموکراسی و آزادی محقق نشود قابل تأمل است و قضیه فراتر از نوع مواجهه با چهار دولت مصدق، بازگان، خاتمی و روحانی است و می‌توان به آثار جنگ بر آرمان دموکراسی اشاره کرد و کافی است به یاد آوریم حال و هوای سال ۵۸ که دوره و از نیمه دوم ۵۹ چه شد؟ با این همه شاید پرسیده شود پزشکیان در نیویورک دنبال چیست؟ همان‌که بارها گفته، ترسیم تصویری دیگر از ایران تا به بازگشت و جذب سرمایه بینجامد و در بهبود اقتصاد به کار آید.

اگر قرار باشد با پزشکیان و حسن نیت او نیز چنان کند که قبلاً با مصدق (کودتا)، یا با بازگان (پناه دادن به شاه)، همچنین خاتمی (قرار دادن ایران در محور شرارت) و صد البته با روحانی (خروج از برجام) آنگاه این انگاره درمی‌گیرد که آیا آمریکا نسخه دموکراسی را تنها برای محدوده ۵۰ سرزمین خود تجویز می‌کند و در جاهای دیگر تعریفی جدا دارد که همراهی نمی‌کند؟ نوع رفتار با حسن نیت و پیام‌های مثبت رئیس جمهور پزشکیان می‌تواند پاسخ کهنه یا تازه به این پرسش باشد. در پاسخ کهنه شاهد تکرار مدل‌های پیشین خواهیم بود و در پاسخ تازه باید رفتار متفاوتی سر زد.



### نمونه نزدیک‌تر و ملموس‌تر توافق هسته‌ای ایران با ۶ قدرت جهانی

نمونه نزدیک‌تر و ملموس‌تر البته توافق هسته‌ای ایران با ۶ قدرت جهانی یا همان برجام بود و دیدیم نه خود رئیس جمهوری امضاکننده که بعدی از آن خارج شد که به هر حال به حساب آمریکا گذاشته می‌شود. درست است که تصویب قانونی در ایران و در پایان دوران روحانی و در آغاز ریاست جمهوری جو بایدن موافقت بر سر احیای برجام قرار داد ولی بایدن می‌توانست با صدور فرمانی در این راه گام بردارد اما کاری نکرد تا بار دیگر این گمانه قوت بگیرد که انگار آمریکایی‌ها نمی‌خواهند دولتی که تنش‌تر در تهران موفق شود و ترجیح‌شان تضعیف موقعیت آنها بود. بعد از خروج آمریکا از برجام هم یک لحظه برای تضعیف این توافق کوتاهی نکرده‌اند.

بحث بر سر این نیست که لابی اسرائیل در آمریکا قوی است و همان گونه که تندروها در داخل از برجام ناخرسند بودند و هستند اسرائیلی‌ها هم خشم داشتند. در این باره هست که تا امیدی شکل می‌گیرد خود آمریکایی‌ها از در تقابل وارد می‌شوند.

همان گونه که تا قرار بر برگزاری انتخاباتی به نسبت رقابتی می‌شود شبکه‌های برانداز متمایل با آمریکا موضعی شبیه داخلی‌های تندرو اتخاذ می‌کنند و توافق نانوشت‌های وجود دارد که هر جا نسیمی از تحول و دموکراسی وزیدن گرفت و کسی یا جریانی برای کاهش شکاف‌ها و ترمیم گسل‌ها کوشید سنگ بیندازند.

نام مستعار به آمریکا بردند تا پوست خریزه زیر پای کارتر بگذرانند ولی در داخل هم حاصل آن اشغال سفارت و به تبع آن سقوط دولت بازگان بود. به بیان دیگر حسن نیت دولت بازگان در مقابله با چپ‌ها را این گونه پاسخ دادند و بار دیگر خواسته یا ناخواسته به رادیکالیسم در ایران میدان دادند.

### ۳ اصلاحات خاتمی

با شروع دولت اصلاحات هم انتظار می‌رفت آمریکا و غرب بهانه‌های گذشته را تکرار نکنند. هر چند اروپا سفیران خود را به تهران بازگرداند و از شدت بحران میکونوس کاسته شد اما واکنش آمریکا کمتر از انتظار و گاه مغایر آن بود.

رئیس جمهوری جدید ایران در گفت‌وگو با کریستین امان‌پور، خبرنگار ایرانی - آمریکایی پیام‌های مثبتی فرستاد و در داخل سرزنش شد ولی طرف آمریکایی دست از تحریم - که البته قابل قیاس با دوران پسا هسته‌ای نبود - برنداشت. بیل کلینتون، رئیس جمهوری آمریکا نیز همه‌ساله تحریم‌های قبل را تمدید می‌کرد و با اینکه ایران در ماجرای عراق و افغانستان همراهی کرد اما اولی را به حساب خصومت دیرینه با صدام حسین و ناخرسندی از آتش‌بس گذاشتند و دومی را هم از بیم بازگشت و احیای سلطنت در سرزمین شرقی.

با اینکه رئیس جمهوری اصلاح طلب ایران از نخستین سران جهان بود که با قربانیان ۱۱ سپتامبر (۲۰ شهریور ۱۳۸۰) ابراز هم‌دردی کرد اما تنها چند ماه بعد از آن جرج بوش، ایران را در محور شرارت و کنار عراق و کره شمالی قرار داد و پیگیر پرونده هسته‌ای شد و صحبت از حمله نظامی هم درگرفت.

### ۴ روحانی و برجام

نمونه نزدیک‌تر و ملموس‌تر البته توافق هسته‌ای ایران با ۶ قدرت جهانی یا همان برجام بود و دیدیم نه خود رئیس جمهوری امضاکننده که بعدی از آن خارج شد که به هر حال به حساب آمریکا گذاشته می‌شود.

درست است که تصویب قانونی در ایران و در پایان دوران روحانی و در آغاز ریاست جمهوری جو بایدن موافقت بر سر احیای برجام قرار داد ولی بایدن می‌توانست با صدور فرمانی در این راه گام بردارد اما کاری نکرد تا بار دیگر این گمانه قوت بگیرد که انگار آمریکایی‌ها نمی‌خواهند دولتی که تنش‌تر در تهران موفق شود و ترجیح‌شان تضعیف موقعیت آنها بود. بعد از خروج آمریکا از برجام هم یک لحظه برای تضعیف این توافق کوتاهی نکرده‌اند.

بحث بر سر این نیست که لابی اسرائیل در آمریکا قوی است و همان گونه که تندروها در داخل از برجام ناخرسند بودند و هستند اسرائیلی‌ها هم خشم داشتند. در این باره هست که تا امیدی شکل می‌گیرد خود آمریکایی‌ها از در تقابل وارد می‌شوند.

همان گونه که تا قرار بر برگزاری انتخاباتی به نسبت رقابتی می‌شود شبکه‌های برانداز متمایل با آمریکا موضعی شبیه داخلی‌های تندرو اتخاذ می‌کنند و توافق نانوشت‌های وجود دارد که هر جا نسیمی از تحول و دموکراسی وزیدن گرفت و کسی یا جریانی برای کاهش شکاف‌ها و ترمیم گسل‌ها کوشید سنگ بیندازند.

حقوق بشر، هر دو مدنظرند. کنشگران بین‌المللی، قواعد و هنجارها هم اهمیت دارند. چندجانبه‌گرایی در این مکتب حاکم است. سازه‌انگاران طیف متنوعی هستند، اما اشتراکاتی دارند؛ تعامل دولت‌ها اهمیت دارد. چانه‌زنی در و هویت‌ها اهمیت دارد. امکان بازقوام هویت‌ها وجود دارد. چانه‌زنی در عرصه سیاست بین‌الملل اهمیت پیدا می‌کند. تصمیم‌ها در سطوح مختلف صورت می‌گیرد. بهره‌گیری دیپلمات‌های برجسته ایرانی از ظرفیت‌های عرصه سیاست بین‌المللی و شکاف‌های سیاست جهانی، رئالیست‌های منازعه باور جهانی را در شرایط تزلزل در تصمیم‌گیری خواهد داد. اکنون، جمهوری اسلامی ایران برای ترمیم شکاف برآمده از غلبه سیاست منازعه در عرصه بین‌المللی، نیازمند بهره‌گیری از ظرفیت‌های همزمان امکاناتی است که راهبردهای رئالیستی، لیبرالیستی و سازه‌انگاران، روی میز سیاست قرار داده است.

اتخاذ این رویکرد، جمهوری اسلامی ایران را در زیرسطوح مختلف سیاست بین‌المللی، با طیف‌های وسیع‌تری از اقطاب سیاست جهانی همراه خواهد ساخت، پروژه ایران‌هراسی منازعه‌افزینان صهیونیستی را خنثی خواهد کرد، منافع و مصالح ملی ایران را از آسیب‌های تقابل و منازعات کشورهای دیگر مصون خواهد کرد و امکان سیاست‌ورزی مبتنی بر موازنه مثبت را برای غلبه بر تهدیدات بین‌المللی، وسعت خواهد بخشید.

فلسطین از مسئله‌ای مذهبی به مسئله‌ای انسانی و حقوق بشری، می‌تواند صورتی جدید از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را رونمایی کند. سیاست خارجی ایران به وقت اکنون، نیازمند عبور از فم‌رئالیستی قدرت‌باور محض که منازعه و تقابل زائیده و نتیجه محتوم آن است به بهره‌گیری همزمان از امکانات و ظرفیت‌های مکتب‌های لیبرالیستی و سازه‌انگاری است. متخصصان روابط بین‌الملل، مناسبات بین‌المللی را در ذیل دو مکتب اصلی رئالیسم و لیبرالیسم تبیین و بررسی می‌کنند. در مکتب رئالیسم، قدرت محور مناسبات بین‌المللی دانسته می‌شود. کنشگران بین‌المللی، اخلاق و حقوق بشر در این مکتب درجه و ارزشی ثانوی دارند. قدرت‌گرایان به مناسبات سیاسی بین‌المللی بدبین هستند. برعکس در مکتب لیبرالیسم، اقتصاد جهانی، اقتصاد بازار، حقوق بشر و اخلاق دارای اهمیت‌تی حتی بیشتر از قدرت‌اند. کنشگران، نهادهای و سازمان‌های بین‌المللی ارزش تعیین‌کننده‌ای دارند و بر فضای مناسبات سیاسی، خوش‌بینی حاکم است.

برخی متفکران عرصه روابط بین‌الملل از مکتب جدیدی به نام «سازه‌انگاری»، رونمایی کرده‌اند. سازه‌انگاری گرچه جریان اصلی (Main Stream) نیست و به اندازه آن دو، جایگاه پیدا نکرده؛ اما مکتب مطرحی است. در سازه‌انگاری، چیزی بین این دو مکتب دیده می‌شود. قدرت و